



درنگ در یکدیگر طالب علمی و زینت ستایشان

کارشناس ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان های آمل
علیرضا عباسی مقدم
کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه و دبیر ادبیات دبیرستان های شهریار

چکیده

تحمیدیه عنوان عمومی سروده‌ها و نوشتارهای سیاستمدان و ستایشی دربارهٔ پروردگار و ارتباط با اوست و به‌عنوان یک سنت افتخار آمیز ادبی، زینت بخش دیباچهٔ بسیاری از آثار مکتوب و منظوم است و عمری به درازنای ادب فارسی دارد. به‌نظر می‌رسد ریشه و پیشینهٔ تحمیدیه در عالم به زمان احساس ارتباط بشر به ماورای طبیعت برمی‌گردد. قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفهٔ سجاده‌یه، احادیث نبوی و روایات معصومین از کهن‌الگوهای رویکرد شاعران و نویسندگان ایرانی-اسلامی در تحمیدیه‌سرایی است.

سرآغاز و دیباچهٔ اکثر دیوان‌ها و آثار منثور شاعران و نویسندگان پارسی با ستایش و ستایش خدا، ادعیه، مناجات و راز و نیاز صمیمی و خاضعانه با او زینت یافته است. این به‌عنوان یک سنت افتخار آمیز ادبی، عمری به درازای ادب فارسی دارد و در اصطلاح «تحمیدیه» نامیده می‌شود. «تحمیدیه از ریشهٔ حمد و به معنای (ستایش و گفتن الحمدالله) است. در اصطلاح ادبی سخن زیبا به شعر یا نثر است در ستایش خدا». (ادبیات فارسی ۳: ۱)

تحمیدیه‌ها را به لحاظ شمول دامنهٔ وصف و ستایش می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: الف: تحمیدیه‌هایی که فقط به حمد خدا، دعا و مناجات و توصیف جلال و جمال و دیگر اسما و صفاتش پرداخته‌اند؛ مانند تحمیدیهٔ طالب آملی و وحشی بافقی. لازم به ذکر است مناجات مفهوم گسترده‌تری از دعا دارد. هر دعایی مناجات است اما از دیدگاه عارفان هر مناجاتی دعا نیست، زیرا «در مناجات حالت توجه حالت اصلی است اما

از ویژگی‌های عمومی تحمیدات منظوم فارسی این است که عموماً در قالب مثنوی، با وزنی کوتاه و با ویژگی تغزلی و غنایی و لحنی خاضعانه سروده شده‌اند. بهره‌گیری از واژگان عرفانی و فلسفی و... با مهندسی ویژهٔ فکری و اندیشگی در لفظ و مضمون و چاشنی بالای ادبیت از ویژگی‌های دیگر آن‌هاست. به عبارت دیگر، در سرایش تحمیدات، آوردن پاک‌ترین الفاظ و متعالی‌ترین مضمون‌ها همواره از سوی سراینندگان رعایت شده و در عین حال بر فقر و تهی مایگی پدید آورندگان در توصیف حضرت یاری تعالی و شمارش انعام و عنایات او اقرار و تأکید شده است. طالب آملی یکی از ستارگان شعر در منظومهٔ ادبیات ایران و سبک هندی و صاحب یکی از تحمیدات فاخر با ویژگی‌های ممتاز در ادب فارسی است. او یکی از هشت مثنوی خود را به این موضوع اختصاص داد. در مدخل این تحمیدیه، ساختار شکنی و هنجار گریزی‌ای نسبت به تحمیدات پیشین صورت می‌گیرد، و آن اینکه به جای توصیف و مناجات گزارشی با ادعیه و مناجاتی خواهشی روبه‌رو می‌شویم و از این منظر یک اثر تلفیقی است. از ویژگی‌های اختصاصی تحمیدیهٔ طالب، ترسیم دوبارهٔ هفت‌وادی عرفان عطار، با ساخت‌های مجزای فلسفی، عرفانی، تغزلی و ادبی، به کارگیری توأمان دعا و مناجات و تحمیدیه به معنای خاص و کاربرد انواع شبکه‌های رمزی عرفانی با التزام واژگانی و مضمونی به سنت تحمیدیه‌سرایی در فارسی است.

کلیدواژه‌ها: تحمیدیه، ریشه‌ها، کهن‌الگوها، ویژگی‌های عمومی تحمیدات فارسی

در دعا حالت تضرع، به عبارت دیگر مناجات سخن گفتن است و دعا چیز خواستن؛ از این رو، دعا می‌تواند در ضمن مناجات درج شود ولی مناجات به دعا محدود نمی‌ماند و...» (فولادی، ۱۳۸۹: ۳۳۷) بنابراین دعا نوعی مناجات تمنایی و تقاضایی است. ب: تحمیدیه‌هایی که علاوه بر سپاس و ستایش خدا به نعت پیامبر اسلام و منقبت اولیا و پیشوایان دین پرداخته‌اند؛ مانند تحمیدیه سعیدی در بوستان و گلستان و تحمیدیه خواجه جوی کرمانی. با توجه به ریشه کلمه، بهتر است تحمیدیه عنوان اختصاصی سروده‌های سپاسمند و ستایشی فقط در مورد خداوند باری تعالی تلقی گردد.

پیشینه و ریشه تحمیدات

به نظر می‌رسد میل به نیایش و مناجات و دعا امری فطری است و پیشینه آن به زمان احساس ارتباط انسان به «متافیزیک» و «ماورای طبیعت» برمی‌گردد. تحمیدیه سرایی مکتوب در ادبیات فارسی بعد از اسلام، منشأ قرآنی دارد یا لاقلاً یکی از کهن الگوهای این وجه ادبی، قرآن است، چراکه قرآن، این کتاب و کلام الهی، با نورالانوار (بسم‌الله الرحمن الرحیم) شروع شده است و شاعران و نویسندگان با تأسی به آن، دیباچه مکتوبات خوش را با ذکر نام الهی زینت داده‌اند.

دومین منشأ تحمیدات در ادب فارسی، احادیث نبوی و کلام رسای پیشوایان دینی است. در حدیث نبوی آمده است: «کل امر ذی بال لم یبدء باسم الله فهو ابتر». (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۷۶) یعنی هر کاری که بدون نام خدا شروع شود، ابتر است. بسیاری از شاعران همین حدیث نبوی را به نظم کشیده و در مطلع آثار خویش ثبت کرده‌اند. نام حق سر دفتر هر دفتر است آنچه بی‌نام خدا نیست ابتر است (صفی‌نیا، نصرت، به نقل از اسیری لاهیجی، اسرارالشهود: ۳۱) سرآغاز هر نامه، نام خداست که بی‌نام او نامه یکسر خطاست

(همان، یغمای جندقی قرن ۱۳ و ۱۲)

تحمیدات، عموماً با ستایش خداوند آغاز می‌شوند و بخش عمده آن‌ها توصیف جمال و جلال و رحمت خداوند، شمارش نعمت‌های بی‌کران ارضی و سماوی اوست و در پایان عجز و نیازمندی و طلب رحمت و مغفرت بندگان و گویندگان از ساحت ربوبی مطرح می‌شود. در ادب گران سنگ فارسی، نمونه‌های زیبا و دل‌پذیری از نیایش‌ها، مناجات‌ها و تحمیدات به صورت نظم و نثر با چاشنی بالای ادبیت وجود دارد. مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری، عالی‌ترین نمونه مناجات منثور است. تحمیدیه سعیدی در دیباچه گلستان نمونه عالی تحمیدیه تلفیقی نظم و نثر پارسی و نیایش‌های نظامی، سعیدی، مولانا، وحشی بافقی، فردوسی، طالب آملی و... از بهترین و باشکوه‌ترین تحمیدیه‌های منظوم ادب فارسی است.

جالب اینکه تحمیدیه‌ها در ادب فارسی هم در مقدمه دواوین و منظومه‌ها - که عموماً بستری حسی و عاطفی دارند - و هم در آثار منثوری که موضوعاتی، علمی، فلسفی، تعلیمی، تاریخی عرفانی و... دارند، زینت‌بخش آثار شده‌اند. غلامرضا ستوده در

کتاب «تحمیدیه در ادب فارسی» نام ۱۱۶ اثر منثور فارسی را که با تحمیدیه آغاز شده‌اند، ذکر کرده است؛ از جمله نوروزنامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت، والابنیه عن حقایق الادویه به‌عنوان اثری پزشکی و داروشناسی، تاریخ جهانگشای جوینی به‌عنوان اثری تاریخی و گلستان سعیدی به‌عنوان اثری تعلیمی و اخلاقی.

تحمیدیه‌ها در ادبیات منظوم جلوه ویژه‌ای دارند. چراکه زبیده ذهن خلاق شاعران و احساسات و عواطف صیقلی یافته آنان هستند و از چاشنی ادبیت، گنجینه صور خیال و عناصر موسیقایی و جمال‌شناسی شعر برخوردارند.

نصرت صفی‌نیا در جستاری با نام «هزار سال آغاز سخن در شعر فارسی با نام و حمد خداوند» در دو جلد، نام ۱۹۸ تن از شاعران صاحب تحمیدیه در طول ادب فارسی را با ذکر نمونه‌ها، نشانه و شماره کرده است.

یکی از وجوه مضمونی تحمیدیه‌ها، ذکر و شمارش نعمت‌های خداوند است به صورت عام و دیگر ذکر نعمت‌هایی است که به صورت خاص از گنجینه الهی نصیب انسان شده است؛ همانند عشق، زبان، بیان، فکر، خرد و اندیشه، گوهر سخن و... ذکر نمونه‌های آن خالی از لطف نیست.

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد فردوسی

به نام خدایی که جان آفرید

سخن گفتن اندر زبان آفرید سعیدی

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

چراغ دل به نور جان برافروخت شیخ محمود شبستری

به نام آنکه تن را نور جان داد

خرد را سوی دانایی عنان داد امیر خسرو دهلوی

به نام چاشنی بخش زبان‌ها

حلاوت بخش معنی در بیان‌ها

شکرپاش زبان‌های شکرریز

به شیرین نکته‌های حالت‌انگیز وحشی بافقی

به نام آنکه ما را نام بخشید

زبان را در فصاحت کام بخشید اوحدی مراغاهی

الهی سینه‌ای ده آتش افروز

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

به سوزی ده کلام را روایی

کز آن گرمی کند، آتش گدایی

دل را داغ عشقی بر جبین نه

زبانم را بیانی آتشین نه

اگر لطف تو نبود پر تو انداز

کجا فکر و کجا گنجینه راز... وحشی بافقی